

مقاومت علیه «تقلب بزرگ» متکی بر نیروی خود



مصاحبه میلیتانت با رفیق مازیار رازی

رفیق مازیار امروز دوشنبه ۲۵ خرداد تظاهراتی از سوی میر حسین موسوی فراخوانده شده است. آیا تصور نمی‌کنید که این یک اقدام مثبت از سوی او برای سازماندهی مقاومت مردم علیه «تقلب بزرگ» انتخابات ریاست جمهوری است؟

به نظر من خیر چنین نیست. همانطور که در مصاحبه دو روز پیش اشاره کردم، موسوی قادر به رهبری حتی طرفداران خود نیست چه رسد به سازماندهی مردم ایران علیه این تقلب بزرگ. نخستین اقدام اعتراضی میر حسین موسوی نامه نگاری با خامنه‌ای بود (کسی که خود مسبب و مسئول سازماندهی این شبه کودتای علیه آرای مردم است). همین نخستین گام نشان داد که آقای موسوی نسبت به سلسله مراتب بوکراتیک دیکتاتوری روحانیت که تحت کنترل ولی فقیه (خامنه‌ای) است توهم دارد. با این توهم و اعتقاد به یک نظام دیکتاتوری نظامی نمی‌توان خود و سایرین را برای مقاومت آماده کرد. از همان گام نخست مشخص است که این حرکت تحت رهبری موسوی محکوم به شکست است.

اضافه بر این، فراخوان به راهپیمایی امروز ساعت ۴ بعدازظهر از میدان انقلاب تهران تا میدان آزادی با درخواستی از وزارت کشور برای صدور مجوز صورت گرفته است! پاسخ دولت نیز توسط آقای مرتضی تمدن رئیس شورای تامین استان تهران، اعلام شده است. او گفت مجوزی برای این کار صادر نشده و "این راهپیمایی غیرقانونی است!" آقای تمدن همچنین اعلام کرد "نیروی انتظامی با هر گونه تجمعات یا راهپیمایی‌های بدون مجوز برخورد خواهد کرد." بدیهی است که با چنین روشی این راهپیمایی سرکوب خواهد شد و آقای موسوی طرفداران خود را بیشتر متفرق و دلسرد خواهد کرد.

پس چه کاری او می‌بایستی انجام دهد تا موفقیت را تضمین کند؟

مقاوت در مورد بی عدالتی و تقلب آشکار توسط عده‌ای سرکوب‌گر نیاز به اخذ مجوز ندارد. مگر در دوره شاه میلیون‌ها نفر از مردم برای تظاهرات ضد استبدادی از پیش از شاه و یا ساواک مجوز کسب کردند؟ مگر همین "انقلابات" بورژوازی به اصطلاح مخملی و نارنجی و غیره که توسط افرادی نظیر موسوی‌ها در چند کشور علیه یک نظام استبدادی صورت گرفت با مجوز قانونی صورت گرفته است؟ رهبری یک جنبش توده‌ای (صرفنظر از اینکه این رهبری مورد تأیید ما به عنوان مارکسیست‌های انقلابی باشد) به اتکا به موقعیت ویژه خود و برخورداری از پایه‌های اجتماعی، مردم را به شکل نامحدود تا رسیدن به خواسته‌هایشان به خیابان‌ها می‌کشاند. تنها راه تضمین یک تغییر در هر جامعه‌ای تدویم مبارزات مردم و زیر سؤال بردن مشروعیت دولت استبدادی است. مسئله این است که آقای موسوی حتی در سطح هم‌تایان و هم‌نظران خود در سایر نقاط جهان عمل نمی‌کند. از این رو در نهایت مورد سوء استفاده دولت استبدادی قرار خواهد گرفت. توده‌های جوان نمی‌توانند به چنین فردی امید ببندند.

به نظر شما در وضعیت کنونی توده‌های خشمگین از این تقلب بزرگ چه باید کنند؟

به نظر من هر کاری بهتر است پذیرش رهبری موسوی است. توده های مردم به ویژه در شرایطی که به شکل خودانگیزه به صحنه سیاسی وارد می شوند، انگیزه ها و اهداف به مراتب عالی تر از رهبرانی چون موسوی دارند. جوانان ایران که برای مقابله با دیکتاتوری بالاجبار به موسوی رضایت دادند باید از میان خود رهبران خود را انتخاب کنند. ایجاد «کمپته دفاع از خود» در مقابل اوباش لباس شخصی و پلیس ضد شورش در دستور کار آنها می تواند قرار گیرد. هر اقدامی توسط توده های جوان و هر سرکوب و هزینه ای که آنان پرداخت کنند؛ آنها را در موقعیت بهتری برای تداوم مبارزات قرار می دهد. جوانان نباید در انتظار دستور عمل های موسوی و ستاد انتخاباتی او باشند. موسوی در مقام سازماندهی مقاومت توده ای نیست.

تظاهرات امروز باید به دست خود جوانان سازماندهی شود. مقاومت یکپارچه در مقابل ارباب و اجحافات ابزار سرکوب خامنه ای - احمدی نژاد می تواند خنثی گردد، به شرطی که رهبری این حرکت توده ای به دست خود جوانان افتد. بدیهی است که مشارکت توده ای و مداوم، می تواند سیاست های سرکوب گرایانه دولت را در نهایت خنثی کند.

نقش مارکسیست های انقلابی در این میان چیست؟

مارکسیست های انقلابی نیز باید در میان توده های جوان هم به سازماندهی پرداخته و هم به آنان در مورد رهبری موسوی هشدار دهند. باید به جوانان مبارز و مقاوم توضیح داده شود که رهبری موسوی خواهان سازش با خامنه ای است و نه پس گیری آرای آنها از دولت. به جوانان باید توضیح داده شود که مذاکرات از بالا میان ۴ کاندید انتخاباتی و دولت احمدی نژاد صورت خواهد گرفت. همه این آقایان با گرفتن مقامی در دولت آتی دست از هر مبارزه ای برداشته و مردم را به خانه ها خواهند فرستاد. آقای احمدی نژاد در سخنرانی ۲۴ خرداد به طور شفاف اعلام کرد که اصول گرایان و اصلاح طلبان از یک "جنس" هستند. گرچه او لحن تهدید آمیزی نسبت به مقاومت احتمالی آن داشت اما تلویحاً خواهان مذاکره و مصالحه با آن را بود.

مارکسیست های انقلابی در میان توده های جوان باید قرار گرفته و در سازماندهی جوانان برای ایجاد یک صف مستقل و سازماندهی کمیته های مقاومت و ایجاد یک رهبری دائمی کوشا باشند.

جو مقاومت جویانه این چند روز دائمی نخواهد بود. اگر رهبری جوانان تثبیت نگردد؛ اگر رهبری به دست موسوی باقی ماند؛ بی شک مقاومت توده ای توسط نیروهای انتظامی دولتی شکسته خواهد شد و برای مدتی جو رخوت و دلسردی حاکم خواهد شد.

به امید پیروزی و با روحیه قوی باید به پیش به سوی ایجاد صف مستقل علیه تقلبات انتخاباتی گام برداشت. نقش مارکسیست های انقلابی در این میان می تواند مؤثر باشد.

۲۵ خرداد ۱۳۸۸

نشانی میلیتانت

militantmag@gmail.com

<http://militantmag1.blogfa.com>

برای مکاتبه با رفیق مازیار رازی با نشانی زیر تماس بگیرید:

maziar.razi@gmail.com